

اسنادی از مالکیت ایران بر الواح هخامنشی مورد ادعای امریکا

علی فرهمند*

Ali&Farahmand@yahoo.com

چکیده

آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد در نگاه اول گذراییه پیشینه کاوشهای باستانشناسی هیئت‌های خارجی در ایران و تجارت آثار باستانی کشور تا زمان کشف لوحه‌های هخامنشی در تخت جمشید و ارائه اسنادی از مالکیت ایران بر لوحه‌های مزبور. اهمیت اسناد مورد اشاره در این مقاله، آن است که این اسناد، املی بودن لوحه‌های هخامنشی را در بنگاه خاوری دانشگاه شیکاگو و نیز تعداد دقیق آنها را بیان می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

کتیبه‌های هخامنشی، تاریخ، اسناد و مدارک.

ژئوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* کارشناس علوم سیاسی.

نخستین فردی که به کاوش باستانشناسی در ایران پرداخت، افسری انگلیسی به نام «ویلیام کنت لافتس» بود که با مسافرت به بغداد در سال ۱۸۴۹م. / ۱۲۶۵ق. / ۱۲۲۸ش. جهت خدمت در کمسیون مرزی ایران و عثمانی، پا به خاور زمین گذاشت. وی - که کاوشهای باستانشناسی خود را در شوش متمرکز کرده بود - اشیای هنری و تاریخی کشف شده را به «بریتیش میوزیوم» لندن منتقل کرد.^۳

سپس فرانسویها در سال ۱۸۸۴م. / ۱۳۰۱ق. / ۱۲۶۴ش. گردی مشکلی از یک زن و شوهر به نام «ژان لافور» و همسرش «جین» را به متون فرستادند که اشیای تاریخی کشف شده از جمله «سرستون بزرگی از سر گاو» متعلق به کاخ آپادانا را به موزه لوور فرستادند.

سفیر فرانسه، در سال ۱۸۹۵م. / ۱۳۱۲ق. / ۱۲۷۴ش. موفق شد امتحان انحصاری کاوشهای باستانشناسی را در ایران برای کنوینتور ناصرالدین شاه قاجار دریافت کند. در سال ۱۳۱۸ق. / ۱۲۷۹ش. پادشاه بعدی یعنی مظفرالدین شاه، با خروج اشیای باستانی کشف شده از کشور به شرط پرداخت مبالغی به دولت ایران، موافقت کرد.

هیئت فرانسویها به ریاست «ژاک دومورگان»، کاوشهایی را با شیوه‌های بسیار سهل‌انگارانه و بدون دقت و ظرافت لازم آغاز کردند؛ به طوری که حفاریهای آنها بشدت مورد اعتراض بوده و هست. مدیر این هیئت با عنوان شکارچی گنج، به جهت غارت اشیای هنری باستانی، مورد مذمت قرار گرفت. گفته می‌شود همانطور که باستانشناسان بریتانیایی به غنی کردن «بریتیش میوزیوم» می‌پرداختند، مورگان و جانشینانش نیز هزاران اثر هنری ایلامی را به «لوور» می‌فرستادند.^۴

در خرداد ماه سال ۱۳۸۵ش. / ژوئن ۲۰۰۶م.، «بلانش مینگ»، قاضی دادگاه ایالت ایلینویس آمریکا، به دنبال دادخواهی یک وکیل آمریکائی به نام «دیوید استارچمن»، اقدام به صدور یک رأی سیاسی غیرحقوقی و بسیار عجیب کرد، مبنی بر آنکه الواح هخامنشی کشف شده از تخت جمشید - که برای انجام تحقیقات و پژوهشهای باستانشناسی نزد بنگاه خاوری دانشگاه شیکاگو به امانت سپرده شده بود -

به حراج گذاشته شود تا در آمد حاصل از آن را به نفع باستانشناسان کوشنده‌های اسرائیلی - آمریکائی در جهت مطالعه و تحقیق در مورد باستانشناسی (۱۹۹۷م. / ۱۳۷۶ش.) قلمرو آنها در بیت المقدس هزینه کنند. این حکم - که لزوماً گوناگون مورد مناقشه است - یک اور مثل قدیمی فارسی است که

گنه کرد در بلخ آهنگری

به هر حال، این حکم واکنشهای بسیاری در محافل رسانه‌ای ایران و ایرانیان متهم خلیج فارس به دنبال داشت؛ به طوری که کنوینتور خاوری - بخش شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو - تاکید بر اعطای سودن گنجینه آثار باستانی ایران، طی دادخواستی به حکم مزبور اعتراض کرد.

مدیر بنگاه خاوری دانشگاه شیکاگو، سه روز پس از صدور حکم مزبور، طی نامه‌نگاری با رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، توقیف الواح گلی تخت جمشید را به نفع اسرائیل، اقدامی شرم‌آور، مفتضح و غیرقابل توجیه خواند. یکی از استادان دانشگاه شیکاگو نیز ضمن محکوم کردن حکم صادره، اعلام کرد: «فروش آثاری که برای تحقیق در دانشگاه نگهداری می‌شود، به هر عنوانی غیرممکن و هر اقدامی در این راستا غیر قانونی است».^۵

پرفسور «رومن گیرشمن»، «آندره گدار» و «رابرت دیسون»، از دیگر باستانشناسان فعال در ایران بودند که باید از ایشان نام برد.

با انقراض قاجاریه و روی کار آمدن رضا شاه پهلوی، امتیاز انحصاری فرانسه در سال ۱۳۰۶ش/۱۹۲۷م. لغو شد و پس از آن در سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م. عملیات «ارنست هرتسفلد»، باستانشناس آلمانی با نظارت بنگاه خاوری-دانشگاه شیکاگو در تخت جمشید آغاز شد و در زمان تصدی نامبرده در عملیات کاوش تخت جمشید، لوحهای هخامنشی مورد بحث، کشف شد.

لوحهای هخامنشی

سی هزار لوح سفالی در سال ۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م. در جریان کاوشهای «ارنست هرتسفلد»، باستانشناس بنگاه خاوری-دانشگاه شیکاگو در تخت جمشید کشف شد که اطلاعات بسیاری دربارهٔ زبان و فرهنگ، آداب و رسوم و جزئیات زندگی در ایران باستان، برای نسل امروز آشکار می‌کند.

«این لوح، در واقع بیانگر نظام اداری و حکومتی هخامنشیان است که ترجمهٔ متون آن تا به امروز اوج دقت و ظرافت نظام اداری این سلسله پادشاهی ایران را نشان داده است. در پی مطالعهٔ این لوح، مشخص شد که هخامنشیان در عصر خود از نظامهای حمایتی شبه بیمه برای کارگران برخوردار بوده و همچنین از هیچ قدرتی بدون پرداخت دستمزد (برده‌داری) استفاده نمی‌کرده‌اند. به گفتهٔ مدیر سابق مؤسسه شرق شناسی، این لوح در واقع بیانگر دنیای داخلی جهان هخامنشیان است که در هیچیک از لوح و کتیبه‌های بزرگ به چشم نمی‌خورد.»^۷

علاوه بر الواحی که متن آنها در زمینهٔ پرداخت حقوق کارکنان و کارگران و مسائلی از این قبیل می‌باشد، روی برخی از این الواح، نقوش مهرهای دورهٔ هخامنشی با تصاویری از صحنهٔ شکار و حیوانات افسانه‌ای و اسطوره‌ها و نقوش سلطنتی دیده می‌شود.^۸

به هر حال، الواح مزبور را پس از کشف و کاوش از تخت جمشید، به موجب تفاهمنامه‌ای میان ایران و دانشگاه شیکاگو و قانون سال ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م. دربارۀ میراث فرهنگی، برای انجام تحقیقات، به مدت سه سال به رسم امانت به امریکا فرستادند. اما این الواح به‌رغم گذشت بیش از هفتاد سال، هنوز در امریکا مانده و طی این مدت، تنها ۳۰۰ لوح از آن مجموعهٔ واسپرده به دانشگاه شیکاگو، در سال ۱۳۸۳ش/۲۰۰۴م. به ایران بازگردانده شده است. این، در حالی است که طی این مدت، دولت ایران همواره در حال اعتراض و پیگیری برای بازگرداندن الواح هخامنشی به ایران بوده است که اسنادی از پیگیریهایی دولت ایران در سالهای ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م. و ۱۳۲۱ش/۱۹۴۲م. در

این مقاله ارائه می‌گردد.
معمولاً الواح سفالی در این قسمت، برگه‌ها از اسنادی است که در اختیار مالکیت ایران بر لوحهای هخامنشی و از جهت تعیین تعداد الواح مزبور اهمیت زیادی دارد.
در مورد اثبات مالکیت ایران بر الواح، مشکلی نیست که هر کشوری مالک واقعی اشیای تاریخی و باستانی متعلق به آن کشور است، ولو اینکه آن اشیا به هر شکلی به موزه‌های دیگر راه یافته و ماندگار

شده باشد که این امر، اصلی مسلم، بدیهی و مورد وثوق تمام دنیا و از جمله یونسکو می‌باشد. پس در ایرانی بودن الواح هخامنشی کشف شده در تخت جمشید، یعنی قلب امپراتوری‌ای که گستره آن از مصر تا هند بود، هیچ شک نیست، بلکه منظور از عبارت اثبات مالکیت ایران، این است که این الواح به هیچ شکلی فروخته، بخشیده یا واگذار نشده است و صرفاً به عنوان امانت، جهت انجام تحقیقات و خواندن متون آنها - که تعداد انگشت شماری در دنیا قادر به انجام این کار هستند - به بنگاه خاوری دانشگاه شیکاگو امانت داده شده بود و برسم امانتداری، بازگرداندن سالم و بدون عذر و بهانه امانت به صاحب واقعی آن است.

اما در باب مسئله تعیین تعداد الواح مزبور - که در صورت امانت اسناد ارائه شده می‌باشد - باید گفت که از آنجایی که در ایران بنگانه خاوری وجود ندارد و در صورتی که اسناد مزبور در اختیار این بنگاه قرار گیرد و از آنجا به دست بیرون بیفتد، هموطنانی که به نوعی درگیر با مسائل میراث فرهنگی هستند، از تعداد واقعی الواح بی‌خبرند که در مورد این دو مدعا شواهدی ارائه می‌گردند.

الف - درخصوص شبهه افکنی و آمار اشتباه ارائه کردن مدیران بنگاه خاوری شیکاگو، می‌توان اشاره کرد به سخنان گیل استاین، مدیر بنگاه مزبور در سال ۱۳۸۳ ش. / ۲۰۰۴ م. که هنگام بازگرداندن ۳۰۰ عدد از الواح به ایران، از «وجود حدود ۷۰۰ هزار لوح کامل و تعداد بسیار زیادی الواح خرد شده در این دانشگاه خبر داد»^۹

ب - درخصوص اطلاع دقیق نداشتن بسیاری از مدیران داخلی از تعداد واقعی الواح هخامنشی

موجود در شیکاگو، قسمت‌هایی از مصاحبه صورت گرفته با عباس سلیمی نمین، مدیر دفتر تدوین و مطالعات تاریخ ایران، درخور یادکرد است. مصاحبه‌گر پرسیده: «شما خودتان هیچگونه آماری درخصوص تعداد الواحی که در اختیار مؤسسه است، ندارید؟ - اطلاعات ما بر اساس آمارهائی است که بر روی سایت دانشگاه گذاشته است. براساس این اطلاعات - که به قبل از سال ۱۳۸۲ ش. / ۲۰۰۳ م.] مربوط می‌شود - پانزده هزار لوح کامل و ده هزار قطعه لوح شکسته در این مؤسسه وجود دارد. به نظر شما سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، از تعداد الواحی که در مؤسسه وجود دارد آگاه است؟ -

آنها هم اطلاع دقیقی از این آمار ندارند. چون اعضای هیئت مدیره و هیئت مدیران سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، از این آمار هیچگونه اطلاعی ندارند. من هم در این باره هیچ اطلاعی ندارم. در ایران هم در گذشته این گونه آمار وجود نداشته باشد و این تعداد ارائه شده در این قسمت، تعداد این الواح را «سی هزار» لوح گلی و یک لوحه فلزی ذکر می‌کند.

و اما معرفی اسناد، همانطور که اشاره شد، ۸ برگ سندی که برای معرفی در نظر گرفته شده، شامل ۲ فقره از رونوشت نامه‌نگاریهای مؤسسه شرق نزدیک و ۶ فقره از نامه‌نگاریهای سفارت ایران در واشنگتن، وزارت امور خارجه، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، وزارت فرهنگ و رونوشت نامه نخست‌وزیر به وزارت فرهنگ، در

پیگیری بازگرداندن الواح هخامنشی، با توجه به سپری شدن مدت امانت سپاری آنها می‌باشد.

سند شماره ۱ از این مجموعه، عبارت است از نامه‌نگاری مورخه ۱۳۱۳/۲/۱۱ ش. / ۱۹۳۴/۵/۱ م. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه با وزارت امور خارجه، در زمینه موافقت با بنگاه خاوری شیکاگو در برگذاری پرفسور هرتسفلد از ریاست هیئت علمی تخت‌جمشید. توضیحات سزبسته ابتدای این سند - با توجه به اسنادی که در اینجا آورده شده - مربوط به همسفری پرفسور هرتسفلد با ولیعهد سوئد در مسافرت به اروپا و همراه کردن بخشی از چمدانهای خود با چمدانهای ولیعهد مزبور می‌باشد. تا به این ترتیب از بازدید گمرک مصون بماند: «درخصوص معاینه اشیا و بارهای پرفسور هرتسفلد، این وزارتخانه اطلاعی ندارد، ولی راجع به عملیات مشارالیه در تخت‌جمشید، نظر به مذاکراتی که با مؤسسه شرق دانشگاه شیکاگو به عمل آمده، من بعد ریاست هیئت علمی تخت‌جمشید با یک نفر دیگر خواهد بود...»^{۱۱} فرد بعدی نیز که برای ریاست هیئت تخت‌جمشید در نظر گرفته شد، دکتر اریک اشعیت^{۱۲} بود.

سند شماره ۲، عبارت است از رونوشت نامه‌نگاری مورخه ۱۳۱۸/۱۰/۲۹ ش. / ۱۹۴۰/۱/۲۰ م. اداره کل باستانشناسی وزارت فرهنگ با سفارت ایران در واشنگتن، در مورد پیگیری موضوع بازگرداندن الواح گلی تخت‌جمشید و درج رونوشت نامه‌نگاری نخست‌وزیر با وزارت فرهنگ در ذیل سند، جهت آگاهی سفارت ایران در واشنگتن: «... با وضعیت فعلی جنگ اروپا و ناامنی

دریاها، با نظر وزارت فرهنگ، با نگاهداری موقت الواح در دانشگاه شیکاگو موافقت می‌شود؛ ولی باید وزارت فرهنگ در نظر داشته باشد که هر وقت موجبات اعاده الواح به ایران فراهم شود، به وسایل مقتضی مسترد دارند و... موضوع دچار فراموشی نشود.»^{۱۳} مسئله نگاهداری موقت الواح در شیکاگو، بخوبی در این سند نمایان است و در نتیجه، بیانگر آن است که به هیچ وجه الواح مزبور واگذار نشده‌اند.

سند شماره ۳، نامه‌نگاری مورخه ۱۳۲۱/۶/۱۴ ش. / ۱۹۴۲/۹/۵ م. وزارت امور خارجه به امضای محمدعلی همایون‌جاء، معاون کل وزارت امور خارجه با وزارت فرهنگ است که از تحویل شدن یک لوحه فلزی با خطوط قدیمی از بنگاه خاوری شیکاگو به سفارت ایران در واشنگتن خبر می‌دهد و پیوست این سند، گزارشهای سفارت ایران در همین باره است. ابتدای سند شماره ۳، تأکیدی بر تعداد و همینطور امانی بودن الواح هخامنشی در نزد بنگاه شیکاگو می‌باشد: «... راجع به سی هزار لوحه گلی و یک لوحه مفرغی که به امانت به بنگاه خاوری شیکاگو و دکتر اشعیت، رئیس هیئت علمی تخت‌جمشید داده شده، بود...»^{۱۴}

سند شماره ۴، یکی از گزارشهای پیوست سند شماره سه است، یعنی گزارش مورخه ۱۳۲۰/۱۲/۲۹ ش. / ۱۹۴۲/۳/۲۰ م. سفارت ایران در واشنگتن به وزارت امور خارجه که جمله آغازین این سند نیز تأکیدی بر تعداد و نیز امانی بودن الواح هخامنشی در بنگاه خاوری می‌باشد: «راجع به استرداد سی هزار خشت و یک لوحه فلزی که وزارت فرهنگ از تخت‌جمشید برای مطالعه به

بنگاه «The Oriental Institute of Chicago»

امانت داده‌اند...»^{۱۵}

سند شماره ۵ نیز پیوست دیگر سند شماره ۳ یعنی گزارش مورخه ۱۳۲۱/۱/۱۴ ش. / ۱۹۴۲/۴/۳ م. سفارت ایران در واشنگتن درباره تحویل گرفتن یک لوحه فلزی با خطوط قدیمی از دانشگاه شیکاگو می‌باشد: «... راجع به سی هزار خشت و یک لوحه فلزی - که در بنگاه خاور دانشگاه شیکاگو امانت بوده - معروض می‌دارد: اخیراً بنگاه نامبرده، ضمن نامه [ای] که رونوشت آن پیوست می‌باشد، یک لوحه فلزی با خطوط قدیمی به سفارت فرستاده...»^{۱۶}

سند شماره ۶، رونوشت نامه‌نگاری بنگاه خاوری دانشگاه شیکاگو با سفارت ایران در واشنگتن و در واقع همان رونوشت مورد اشاره در سند شماره ۵ می‌باشد. سند شماره ۷، نامه‌نگاری مورخه ۱۳۲۱/۷/۴ ش. / ۱۹۴۲/۹/۲۶ م. وزارت امور خارجه در ابلاغ پاسخ وزارت فرهنگ به گزارش مورخه ۱۳۲۰/۱۲/۲۹ ش. / ۱۹۴۲/۳/۲۰ م. سفارت ایران در واشنگتن، درباره سی هزار لوحه گلی امانی در بنگاه خاوری شیکاگو می‌باشد؛^{۱۷} و سند شماره ۸، عین نامه وزارت فرهنگ به وزارت امور خارجه در پاسخ به گزارش ۱۳۲۱/۱/۱۴ ش. / ۱۹۴۲/۴/۳ م. سفارت ایران در واشنگتن می‌باشد: «... نظر وزارت فرهنگ، این است که لوحه برتزی در سفارت ایران در واشنگتن، به طور امانت نگاهداری شود تا هنگامی که وضع جهان برای حمل آن به ایران مساعد و مجدداً نظر این وزارتخانه اعلام گردد. در باب سی هزار لوحه، ممکن است تا خاتمه بررسیهای علمی، در اختیار بنگاه خاوری دانشگاه شیکاگو گذاشته شود و به نظر

وزارت فرهنگ، مناسبت خواهد داشت که از طرف سفارت شاهنشاهی، به نحو شایسته و مناسبی بنگاه خاوری را متوجه سازند که در خواندن متن لوحه‌ها و رفع نیازمندی از آنها، تسریع لازم به عمل آورده، اقدامات مؤثری در این باب معمول دارند...»^{۱۸}

سند شماره ۹ نیز، رونوشت نامه‌ای به زبان اصلی است با امضای جان ویلسون، مدیر دایره بنگاه خاوری دانشگاه شیکاگو به آقای والس موری، رئیس بخش اداره دولتی امور شرق نزدیک به تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۴۱ م. / ۲۱ آبان ۱۳۲۰ ش. که محتوی اطلاعاتی در مورد دغدغه‌های ایران برای تسریع در مطالعه و بازگرداندن الواح گلی هخامنشی به ایران است.^{۱۹}

پی‌نوشتها:

- ۱- فرزانه ابراهیم‌زاده، «دادگاه رسیدگی به الواح ایرانی به تعویق افتاده» خبرگزاری میراث فرهنگی (www.chn.ir)، (۱۳۸۵/۱۰/۲).
- ۲- مهدی افروزمش، نیکی محجوب، «تهدید میراث کوروش از سوی اسرائیل» روزنامه شرق، سال سوم، شماره ۸۰۰، (چهارشنبه ۱۴ تیر ۱۳۸۵).
- ۳- گروه پژوهشگران، شکوه پارسیان، مرزمین امپراتوران، ترجمه ترانه قطب (تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر، مؤسسه فرهنگی پژوهشی دانشنامه فارس، ۱۳۸۲)، ص ۱۴.
- ۴- همان.
- ۵- همان، ص ۱۵.
- ۶- همان، ص ۱۶.
- ۷- مهدی افروزمش، نیکی محجوب، پیشین.

۱۳- مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه،
شماره سند ۲-۲-۳۷-۱۳۲۱ ش.

۱۴- همان، شماره سند ۶-۲-۳۷-۱۳۲۱ ش.

۱۵- همان، شماره سند ۴-۲-۳۷-۱۳۲۱ ش.

۱۶- همان، شماره سند ۱-۲-۳۷-۱۳۲۱ ش.

۱۷- همان، شماره سند ۸-۲-۳۷-۱۳۲۱ ش.

۱۸- همان، شماره سند ۷-۲-۳۷-۱۳۲۱ ش.

۱۹- همان، شماره سند ۳-۲-۳۷-۱۳۲۱ ش.

۸- خیرگزاری میراث فرهنگی، «احتمال نمایش تعدادی از
کتیبه‌ها در موزه ملی» در

<http://www.chn.ir/news/>

۹- مهدی افروزش، نیکی محجوب، پیشین.

۱۰- نرگس محمدی، مریم پاپی، در مصاحبه با عباس
سلیمی نمین «مردم ایران بدانند حقشان در دانشگاه
شیکاگو جا مانده است»، پایگاه میراث آریا،
(۲۰۰۵/۱۱/۱) به نقل از:

<http://www.chn.ir>

۱۱- مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه،
اسناد قدیمه، شماره سند ۳۱-۱-۳۸-۱۳۱۳ ش.

۱۲- Dr.Erich F Schmidt



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ: ۱۳۱۳
۵۸۸۸۵/۲۰۶۶



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره تحقیقات
دایره

وزارت معارف و اوقاف

ردم ۵۰۱۴۲/۵۵۴۲
۱۴/۱۱/۲۰
بیتام و حضرت ولید سید در باب پرفورم بر تفهیم و تفریح
آنها سرفه شده کمال ایشان هرگز بود با فکر محترم را مضمون دارد که در خصوص معانی آنها
و بارهای پرفورم بر تفهیم و تفریح در زمانه و ملامت دارد و در ربع معنی است و در وقت معنی نیز آمده
و بار سرفه و در وقت و در وقت که هر آینه از بر ریاست است معنی است و این نیز سرفه
کلیه بر روی در در مطالعات می پرفورم بر تفهیم که بتدریج در وقت است و در وقت
کمال سرفه را داشته و در وقت

وزیر معارف
۱۳۱۳

۵۷۲۳
۱۶/۱۱/۱۳

۵۱۶۸۶
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۳۱۳

مجله گنجینه اسناد ۶۵ (پیاپی ۱۳۸۶) ۲۲

(صوفہ ۲)

موضوع یا کنویس
پیوست
مسئول یا کنویس



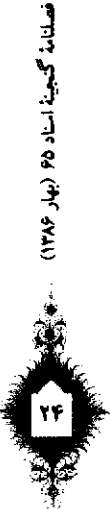
شماره پانگنی
شماره خصوصی ۱۹۸۱
جزوہ دان ۱۹۸۹
پروندہ

تاریخ ۲۰۰۶ء ماہ تاریخ یا کنویس ماہ تاریخ ثبت ماہ
 تاریخ خروج ماہ سال ۱۳۲۶ھ

مقامت

تعمیرات - ۱۳/۷/۱۳۲۶ء تا ۲۰/۷/۱۳۲۶ء
 مینارہ و منبر ایک اور نمونہ بنانے کے لیے
 مقرر کیا گیا ہے۔ اس کے لیے درج ذیل رقموں کی
 رقمیں منظور کی گئی ہیں۔
 ۱۔ مینارہ کی تعمیر کے لیے ۲۳۳۶۹ روپے
 ۲۔ منبر کی تعمیر کے لیے ۶۹۶۱۳ روپے
 ۳۔ مینارہ و منبر کی تعمیر کے لیے ۶۹۶۱۳ روپے
 ۴۔ مینارہ و منبر کی تعمیر کے لیے ۶۹۶۱۳ روپے

بابت اعلیٰ عہدہ
 اظہار



تحقیقات تاریخی



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۳۳۹۹
۱۳۲۰/۱۲/۲۹

بسته ۱۰

وزارت امور خارجه

۱۶۱۷۱
۱۳۲۰/۹

باج برآمد سرانجامت مکس لوفنه و دولت دیگر که تحت مجریه رسیده است
بجای *Oriental Institute of Chicago* است بدو نیز رسیده فدریه
که شماره سند هم در دولت ثبت شده ۲۴۲۷۵/۱۱۵۵ وزارت در کادتر آن
رفته که با بدو نیز در کادتر ثبت شده و باج رسیده است نیز در کادتر رسیده
وزارت رسیده است -

۱۹۳۰
۱۱/۶/۱۰

وزارت امور رسیده فدریه مکس لوفنه است که در کادتر ثبت شده است
صدیق اب تاج از باب ۲۵۸۲ صورت گذار کادتر نیز رسیده باج رسیده است
مهر رسیده است - وزارت شرفا و دولت دیگر در کادتر ثبت شده است

فدریه وزارت
پرتال جامع علوم انسانی

کادتر
وزارت رسیده
۱۳۲۰

فصلنامه گنجینه اسناد ۶۵ (بهار ۱۳۸۶)





وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ایران

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ایران
شماره سند: ۱۷۳-۱۰۶
تاریخ: ۲۱/۹/۳۲

مدیریت در خارج

۶۹
۱۳۲۱/۱/۱۴
بیت پرانی

برودارستان ۳۳۸۹ دفتر ۲۹/۱۲/۳۲ تاریخ برگزیده خدمت و یک روز
در دستگاه صادره است و نیکی است که در سفر صادره : اولاً بجهت ابره فرزند در بستان
بیت پنهان یک روز در جملات سفر بابت فرستادن دفتر در صدور این است که گدانه

تاریخ صدور سند: ۲۱/۹/۳۲
مهر

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ایران
شماره سند: ۱۹۳۲
تاریخ: ۲۱/۹/۳۲

در خارج

بیت پرانی

THE ORIENTAL INSTITUTE

The University of Chicago

Chicago, Illinois, U. S. A.

March 25, 1942

1155 East 58 Street

Envoy Extraordinary and Minister Plenipotentiary

Iranian Legation

2315 Massachusetts Avenue

Washington D. C.

Dear Sir:

I am sending to you today by Railway Express one package containing the bronze tablet which was discovered in the excavation by the Iranian Expedition of the Oriental Institute under the Directorship of Dr. Erich F. Schmidt.

The Iranian government kindly permitted this tablet to be brought to the Chicago Headquarters of the Oriental Institute for cleaning, study, and publication purposes.

Yours sincerely,

Watson Boyes, Secretary

The Oriental Institute Museum

مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، شماره سند ۱-۲-۳۷-۱۳۲۱ ش.

(سوه ۲)

موضوع با کتویس
 پیوسته
 مسئول با کتویس



شماره بایگفی
 شماره خصوصی ۱۹۱۷۱/۱۳۳
 جزوه دان
 پرونده

تاریخ با کتویس ماه تاریخ ثبت ۱۳۳۶/۷/۲۱
 تاریخ خروج ماه سال ۱۳۳۶

فصلنامه گنجینه اسناد ۶۵ (پار ۱۳۸۶)



تحقیقات تاریخی

نارت - ۱۳۳۶/۷/۲۱
 بزرگ گستره ۲۲۸۹
 ۱۳۳۶/۷/۲۱
 در روز پنجشنبه ۱۳۳۶/۷/۲۱
 در وقت عصر
 ۱۳۳۶/۷/۲۱
 پیرامون مسائل مربوط به

۱۲۰
 تاریخ ۱۳۳۶/۷/۲۱
 تاریخ ۱۳۳۶/۷/۲۱

نمونه - ۶

اداره کل باستانشناسی

شماره ۱۳۲۱ / ۱۹۴۱

تاریخ ۱۳۰۹ / ۶ / ۲۸

شمبه



وزارت فرهنگ

وزارت امور خارجه

۶ / ۲

عطف بنامه شماره ۱۶۸۹۰ / ۱۶۸۱ - ۱۶ / ۶ / ۲۱ راجع بسی هزار لوحه کلی و یک لوحه مفرغی که با امانت به بنگاه مذاروی شیکاگو و دکتر اشعیت رئیس هیئت علمی تخت جمشید سپرده شده بود خاطر شریفراستحضر میسازد نظر وزارت فرهنگ اینست که لوحه برنزی در سفارت ایران در واشنگتن بخور امانت نگاهداری شود تا هنگامیکه وضع جهان برای حمل آن بایران مساعد و مجدد نظر این وزارتخانه اعلام گردد در باب سی هزار لوحه کلی ممکن است تاخاتمه بررسیهای علمی در اختیار بنگاه مترسی دانشاه شیکاگو گذاشته شود و بنظر وزارت فرهنگ مناسبت خواهد داشت که از طرف سفارتشاهنشاهی بنحو شایسته و مناسب بنگاه شرقی را متوجه سازند که در خواندن متن لوحه ها و رفع نیازمندی از آنها تسریع لازم بعمل آورده اند اما متوسری در این باب معمول دارند خواهشمند است مقرر فرمایند مراتب بشرح بالا باستحضار سفارت شاهنشاهی در واشنگتن رسانیده شده از اندامیکه معمول خواهد شد این وزارتخانه را نیز مستحضر فرمایند .

وزیر فرهنگ

[Signature]

وزارت فرهنگ
شماره ۱۸۰۴۹۰
تاریخ ۱۳۰۹ / ۶ / ۲۸

وزرد بد قرا داره نوم بیای
شماره ۴۴۴۴
تاریخ ۲۱ / ۷ / ۱۷

[Handwritten notes and signatures]
تاریخ ۱۳۰۹ / ۶ / ۲۸

فصلنامه گنجینه اسناد ۶۵ (بهار ۱۳۸۶)

COPY

THE ORIENTAL INSTITUTE
The University of Chicago
Chicago, Illinois

November 12, 1941

Reference: NE 891.927 Persepolis/492

Mr. Wallace Murray
Chief, Division of Near Eastern Affairs
Department of State
Washington, D. C.

My dear Mr. Murray:

Mr. McDonald has called my attention to your letter of October 24 carrying the information on a shipment of antiquities from Teheran and enclosing a copy of a translation of a Note Verbale dated September 6, 1941 from the Iranian Ministry of Foreign Affairs to the American Legation at Teheran concerning the disposition of certain tablets entrusted to the Persepolis Expedition of the Oriental Institute for study.

Will you be good enough to inform the Imperial Legation in Washington that if they are willing to receive the bronze tablet we shall be happy to send it to them for safekeeping against its return to Teheran?

With reference to the clay tablets: Our scholars have been proceeding with the study of these tablets. I enclose a copy of a letter dated January 19, 1940, from the Chargé d' Affaires of the Imperial Iranian Legation at Washington. In conformance with this letter we have been proceeding in our study of the tablets. This study is not completed and cannot be completed on short notice. However, if the Imperial Legation so desires we can ship to them such tablets as have been completed. May I say frankly that the normal procedure is to hold all material for the opportunity to check and counter-check until a study is effected? However, in earnest of our intention to return all this material we are quite willing to return those pieces which have had their first copying.

Sincerely yours,

JOHN A. WILSON

Director

encl.

مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، شماره سند ۳-۲-۳۷-۱۳۲۱ ش.